

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

لَيْسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ إِلَيْكُمْ، وَ لَا فِي تَحْتِ الْأَرْضِ فَيَخْرُجُ لَكُمْ؛ وَ لَكِنَّ الْعِلْمَ مَجْبُولٌ فِي قُلُوبِكُمْ. تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ الرُّوحَانِيِّينَ حَتَّى يَظْهَرَ لَكُمْ^۱.

«علم در آسمان‌ها نیست تا اینکه به آن صعود کنید، و در زمین نیز نیست تا اینکه آن را در اعماق زمین بیابید؛ بلکه علم در خود شما است و در نفوس شماست. به اخلاق روحانیین متخلّق شوید تا اینکه از زمره آنها گردید.»

مسئله اخلاق از مسائل بسیار مهم است، بلکه مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز محط نظر بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده است. بدین لحاظ، بزرگان برای مسئله اخلاق، کتاب‌های مختلف و تألیفات بسیاری به انجام رسانیده‌اند؛ مانند کتاب *محرّجة البيضاء* و هم‌چنین سایر کتبی که از بزرگان در این زمینه آمده

^۱ کلمات مکنونه، ص ۲۴۸، با قدری اختلاف.

است و همه تأکید دارند بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق و عدم کفایت فراگیری و به دنبال علوم و فنون مختلفی رفتن و صرفاً دریچه ذهن و نفس را انباشته از علوم و فنون مختلف نمودن.

لهذا ما می بینیم که اولیای الهی و به خصوص انبیاء، برای تبدل اخلاق سیئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیت و عالم بهیمیت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلّق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالی متّصف می شود، که بازگشت آن به مسئله توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود.

مرحوم والد - رضوان الله علیه - از زمان رجوع از نجف به ایران، هم چنان که خود در سیر و سلوک الی الله دارای اساتید و برنامه و سیره خاصی بودند و آن را دنبال می کردند، هم چنین دائماً نسبت به تشکیل مجالس اخلاقی و سوق دادن افراد به وادی توحید و آموختن و تعلیم راه و مرام اولیای دین و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین اهتمام کامل داشتند، و در این زمینه به برگزاری و احیاء مجالس و عظ و سخنرانی به مناسبت های مختلف، در مسجد قائم و هم چنین در منازل اقدام می کردند و شاگردانی در این زمینه تربیت نمودند و بحمد الله و المنة در این زمینه سعی کافی و بلیغی در رساندن مبانی اخلاقی به افراد ایفاء نمودند. و این مهم با تفسیر آیات قرآن کریم در مسجد قائم و هم چنین تفسیر نهج البلاغه و مسائل مختلفی دیگر، از جمله مسائل کلامی، در مسجد قائم و در منازل دوستان، رائج و دارج بوده است. کتاب پیش رو نمونه ای از طرح مبانی اخلاقی از مرحوم والد است که در زمینه تفسیر آیات قرآن و هم چنین سایر متون دینی و مناسبت های مختلف ایراد شده است.

امیدواریم که همه بتوانند از تراوشات فکری و نفس ملکوتی آن بزرگ، که

این مطالب با حس و لمس و درک واقع، از دریچهٔ نفس آن شخصیت بزرگ تراوش پیدا کرده است، بهره‌مند گردند.

و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ
اوّل رجب المرجّب ۱۴۴۰ هجری قمری
مشهد مقدّس رضوی، علیٰ ثاویها آلاف التّحیّة و الثّناء
سیّد محمّد محسن حسینی طهرانی^۱

^۱ این مقدمه گرانسنگ، آخرین بیانات گهربار عارف بالله و بأمر الله حضرت آیه الله حاج سیّد محمّد محسن حسینی طهرانی - رضوان الله علیه - می باشد که جهت کتاب حاضر بیان نموده و توسط مجمع تحقیق مکتب وحی تدوین گردیده است.

در اینجا خامهٔ عنبر آمیز او از فیضان مشک و عبیر باز ایستاد، و بنان جواهر اثرش از نشر لآلی و درر تابناک معارف حقّه الهیه فروماند. قلبی که یک عمر برای اعتلای کلمهٔ توحید و تبیین مقام ولایت کلیه الهیه و دفاع از حریم تشیع و مبانی اصیل فرهنگ اسلامی می طپید، مقارن اذان ظهر روز پنجشنبه بیست و ششم شعبان المعظم سنهٔ یک هزار و چهارصد و چهل هجریه قمریه در عتبهٔ مقدّسه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه آلاف التّحیّة و الثّناء از حرکت باز ایستاد.

نفس قدسی اش به ندای ﴿أَرْجِعْ﴾ لیبیک گفته، سرمست از بادهٔ ﴿وَسَقَىٰ لَهُمُ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ شاهد وصل را در آغوش کشید و به ریاض قدس ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ پرواز نمود؛ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَاسِعَةٌ.